



سرمقاله

# پیش به سوی ایجاد حزب کمونیست راستین و سراسری ایران

به تفرقه کنونی پایان دهیم  
حفظ وضعیت کنونی ارتجاعی است

در جنبش کمونیستی ایران، آرام آرام، مطالعه آثار مارکسیستی به مطالعه‌ای برای دانستن و سپس فراموش کردن تبدیل گردیده و محتوای انقلابی آن که جنبه عملی دارد به طور کامل در پرده نسیان قرار گرفته است. به ویژه نقل قول زیر از مارکس و انگلس به فراموشی سپرده شده است: «با رشد و تکامل صنایع بزرگ، خود آن شالوده‌ای که بورژوازی بر اساس آن به تولید مشغول است و محصولات را بخود اختصاص می‌دهد فرو می‌ریزد. بورژوازی مقدم بر هر چیز گورکنان خود را بوجود می‌آورد. فنای او و پیروزی پرولتاریا بطور همانندی ناگزیر است.» (مانیفست حزب کمونیست - بورژواها و پرولترها)

مارکس و انگلس انقلابیون بزرگی بودند که تجربیاتشان را عملی می‌کردند، تلاششان بر این بود که در پروسه عمل آگاهی طبقه کارگر و جنبش کمونیستی را در سمت سرنگونی بورژوازی ارتقاء دهند. از نظر آن‌ها فنای بورژوازی و پیروزی پرولتاریا در لغو مالکیت خصوصی بیان عملی می‌یابد: «اما پرولترها تنها زمانی می‌توانند نیروی مولده جامعه را بدست آورند که بتوانند شیوه کنونی تملک خود و در عین حال همه شیوه‌های مالکیتی را که تاکنون وجود داشته است از میان ببرند. پرولترها از خود چیزی ندارند که حفظش کنند، آن‌ها باید آنچه را که تا کنون مالکیت خصوصی را حفاظت می‌نمود و آنرا مأمون و مصون می‌ساخت نابود گردانند.» (مانیفست حزب کمونیست - بورژواها و پرولترها)

مارکس و انگلس فقط حکم صادر نکردند، به عمل پرداختند، انترناسیونال اول را به وجود آوردند، دامنه آن را به بسیاری از کشورها بسط و گسترش دادند. آن‌ها در دوران شکوفائی سرمایه‌داری، علیه سرمایه‌داری هر کاری از دستشان بر می‌آمد برای ارتقاء جنبش کارگری و کمونیستی دریغ نکردند.

لنین در شرایط امپریالیسم، دستاوردهای مارکس و انگلس را در زمینه سازماندهی پرولتاریا و جنبش کمونیستی، گامی بلند به پیش برد و تکامل داد: «بدون تئوری انقلابی جنبش انقلابی نیز نمی‌تواند وجود داشته باشد.»

او در اینجا نیز ناپستاد، وارد عمل شد و حزب بلشویک را سازماندهی کرد که توسط آن طبقه کارگر دومین انقلاب سوسیالیستی را در جهان به سرانجام رساند و سوسیالیسم را در یک ششم از جهان به وجود آورد. عملکرد این رهبران بزرگ جنبش کمونیستی و کارگری هیچ قرابتی با عملکرد رهبران سازمان‌های پراکنده و دور از هم جنبش کمونیستی ایران ندارد.

هر زمان که از ضرورت وجود حزب کمونیست ایران برای رهبری مبارزات طبقه کارگر در سرنگونی بورژوازی وحشی این کشور، صحبت به میان می‌آید، عده‌ای "کمونیست" با ناز و کرشمه‌های قبیح و قدری اندوه مصنوعی به اعتراض می‌گویند «وقت ایجادش نرسیده است، شرایطش آماده نیست.»

اکثریت جنبش کمونیستی ولی بر این باور است که شرایط عینی انقلاب ضد سرمایه‌داری در ایران آماده است. یعنی تضاد نیروهای مولده با شیوه تولید ده‌ها سال است که هر روز آشتی ناپذیرتر می‌گردد. طبقه کارگر و خانواده، در غل و زنجیر معیشت، عدم امنیت شغلی، عدم احترام، عدم سلامت و سرکوب دائم گرفتار است. هیچ راهی جز سوسیالیسم برایش نمانده است.

ولی عامل اساسی عدم آمادگی شرایط ذهنی که این "رفقا" مرتب در گوش ما می‌خوانند، خودشان هستند. آن‌ها هستند که مرتب در ایجاد حزب، به جلو فرار می‌کنند وقتی هم فرار ممکن نیست اعمالی را انجام می‌دهند که ظاهراً خیلی وقت گیر است و مشغول کننده و "انقلابی". ولی ماهیت ارتجاعی دارد. آن‌ها (سازمان‌ها) با هم جبهه متحد تشکیل می‌دهند. انواع و اقسام شوراهای چپ و کمونیست به وجود می‌آورند و شکست می‌خورند. همایش ایرانیان را در کلن به وجود می‌آورند، برنامه حداقلی صادر می‌کنند و... این "رفقا" آنقدر مشغول کار "انقلابی" هستند که وقتی برای حتی فکر کردن در مورد ایجاد و چگونگی ایجاد حزب کمونیست راستین و سراسری ایران ندارند. ما کمونیست‌ها باید از بورژوازی فاشیست ایران بیاموزیم. این بورژوازی جهت سرکوب طبقه کارگر و اقشار ناراضی، مرتب در مبارزه بین اقشار مختلف خود، دست به تصفیه می‌زند و هر روز منسجم‌تر و سازمان یافته‌تر در مقابل مردم قرار می‌گیرد. به بیان دیگر بورژوازی یک سازمان منسجم، واحد و با دیسیپلین بالا به نام دولت دارد. ولی "کمونیست‌های" بسیار انقلابی و مشغول "ما برای مبارزه علیه همین بورژوازی، همین قانون را درک نکرده‌اند و یا آگاهانه بجای تلاش بی وقفه جهت کارگری شدن مجموعه جنبش کمونیستی و ایجاد حزب کمونیست راستین و سراسری ایران، به دفتر و دسک و تابلوی سازمان و حزب خود دو دستی چسبیده‌اند.

آیا به راستی جنبش کمونیستی در شرایطی است که نمی‌تواند حزب رهبری کننده خود را ایجاد کند؟

برای جواب به این سؤال می‌بایست یک مقایسه تاریخی صورت گیرد:

۱- در زمان ایجاد حزب کمونیست ایران (۱۹۲۰) تعداد طبقه کارگر (صنعتی و سنتی) از جامعه ۱۰ میلیونی ایران، فقط ۱۰۰ هزار نفر بود = ۰,۰۱ درصد کل جمعیت. اکنون تعداد طبقه کارگر (صنعتی و سنتی) ۱۶ میلیون نفرند = حدود ۱۸,۶۵ درصد جامعه ۸۶ میلیونی ایران.

۲- تعداد رهبرانی که حزب کمونیست ایران (۱۹۲۰) را به وجود آوردند ۵۸ نفر بودند. امروز تعداد رهبران سازمان‌های مختلف از ۲۰۰ نفر به بالاست.

۳- در آن زمان هنوز جامعه ایران یک جامعه فئودالی بود. امروز جامعه ایران یک جامعه سرمایه‌داری است و به مراتب آماده‌تر برای یک انقلاب ضد سرمایه‌داری است.

۴- در آن دوران کارگران حتی کارگران صنعتی ریشه دهقانی داشتند (یا دهقان کنده از زمین بودند و یا دهقان زاده) و اکثریت مطلق آن‌ها بی‌سواد بودند. امروزه کارگران ایران اساساً ریشه کارگری دارند و بخش‌هایی از خرده بورژوازی روشنفکر نیز بدان داخل شده‌اند. اکثریت مطلق کارگران ایران با سوادند و حد متوسط سواد در بین آن‌ها دیپلم دبیرستانی است.

۵- در آن زمان جنبش کمونیستی ایران از تجربیات جنبش و عملکرد انقلابی طبقه کارگر و حزب بلشویک اتحاد شوروی نیرو می‌گرفت و سیراب می‌شد. امروزه چنین مرکزی وجود ندارد. این یک نقطه منفی است ولی به هر حال عامل خارجی است و تعیین کننده نیست.

از مقایسه مجموعه شرایط گذشته و حال روشن می‌شود که شرایط کنونی برای ایجاد حزب کمونیست ایران فراهم‌تر از شرایط ۱۹۲۰ است.

ولی چرا بعد از فروپاشی حزب کمونیست ایران در ۱۹۲۷ تا کنون حزب کمونیست واقعی راستین و سراسری ایران تشکیل نشده است؟

زیرا رهبران کنونی جنبش کمونیستی ایران، پایبندی به مارکسیسم، پایبندی به منافع طبقه کارگر، از خود گذشته‌گی و شهامت رهبران جنبش کمونیستی ۱۹۲۰ را ندارند. این رهبران بیش از پایبندی به منافع طبقه کارگر ایران یا ناسیونالیست هستند، یا سازمان‌گرا و یا هردو. هدف آن‌ها نگهداری و گسترش سازمان خود است. این "رهبران" که از قشر خرده بورژوازی میانه می‌آیند، به طور ذاتی گرایش خرده بورژوازی ضد کمونیستی را با خود حمل می‌کنند. و چون آگاهانه کمونیست شده‌اند، این گرایش ضد کمونیستی تضعیف شده، ناآگاهانه در این رهبران عمل می‌کند.

در شرایط کنونی به علت ضرورت ایجاد یک حزب کمونیست راستین و سراسری در ایران و لذا ضرورت مبارزه علیه پراکندگی موجود، حفظ شرایط فعلی یعنی حفظ پراکندگی به امری به شدت ارتجاعی تبدیل گشته است.

استدلال این رهبران این است که در مرحله اول باید هر بخش از این جنبش به طبقه کارگر بپیوندد و بعد می‌توان به ایجاد حزب فکر کرد. این استدلال عمیقاً ذهنی و فاسد است. هیچ سازمانی به تنهایی نمی‌تواند پیوند فشرده‌ای با طبقه کارگر برقرار کند. این مهم، امر کل جنبش کمونیستی است. کل جنبش کمونیستی باید تمام امکانات خود را در این روند متمرکز سازد. کل جنبش کمونیستی باید با تمرکز بالا تمام تجربیات خود را مشترکاً به عمل انقلابی پیوند با جنبش کارگری تبدیل نماید. کل جنبش کمونیستی می‌تواند با گردآوری امکانات مالی به این امر مهم یاری رساند.

در نتیجه هر سازمان و یا حزبی در جنبش کمونیستی ایران باید برنامه و تاکتیک‌های خود را برای پیوند کل جنبش کمونیستی با طبقه کارگر و ایجاد گام به گام حزب کمونیست راستین و سراسری ایران به مجموعه سازمان‌های جنبش کمونیستی ارائه دهد تا مبارزه خلاق ایدئولوژیک آغاز گردد و گام به گام با تصفیه عناصر نالایق این جنبش، تحقق دو امر مهم فوق (پیوند گام به گام جنبش کمونیستی با طبقه کارگر و ایجاد گام به گام حزب کمونیست راستین و سراسری ایران) ممکن گردد.

ما در چند شماره کمون (نشریه نظم کمونیستی) برنامه و تاکتیک اولیه خود را برای وحدت اولیه جنبش کمونیستی ایران ارائه داده‌ایم. اکنون نیز آن را در زیر می‌آوریم:

برگزاری کنفرانس مخفی از کلیه سازمان‌های جنبش کمونیستی. فرق این کنفرانس با "شورای فعالین چپ و کمونیست" این است که هدف کنفرانس؛ اتخاذ برنامه و تاکتیکی است که کل جنبش کمونیستی را با طبقه کارگر پیوند دهد و شرایط را گام به گام برای ایجاد حزب کمونیست راستین و سراسری ایران فراهم کند. هدف "شورای فعالین چپ و کمونیست" فعالیت‌های افشاگرانه، کار تبلیغی و آژیتاسیون‌های عملی مشترک است. یک کار جبهه واحدی.

ما معتقدیم که اولین گام نزدیک شدن سازمان‌ها به هم، برگزاری کنفرانس وحدت است.

کسانی و یا نیروهائی می‌توانند در این کنفرانس شرکت کنند که:

۱- فعالیت عملی مشخص در پیوند با طبقه کارگر داشته باشند،

۲- به ضرورت وحدت جنبش کمونیستی و ایجاد حزب کمونیست راستین پرولتاریا باور داشته باشند.

۳- به انقلاب قهر آمیز توده‌ای به رهبری پرولتاریا معتقد باشند،

۴- به ایجاد جامعه سوسیالیستی بلافاصله بعد از سرنگونی رژیم سرمایه‌داری ایران باور داشته باشند.

۵- و برقراری دیکتاتوری پرولتاریا را برای ساختمان سوسیالیسم قبول داشته باشند.»

وظیفه این کنفرانس ایجاد حزب کمونیست راستین ایران نیست بلکه راهیابی جهت برداشتن گام‌های ضروری و مشترک برای کارگری کردن این جنبش و پیدا کردن اختلاف اساسی (و نه هر اختلافی) در راه ایجاد حزب و ایجاد امکانات وسیع جهت دامن زدن به بحث در مورد این اختلاف و حل نهائی آن. این یک پروسه طولانی‌ست.

ما برای مبارزه علیه رژیم سرمایه‌داری - فاشیستی ایران و دخالت‌های مخرب امپریالیستی در امور داخلی کشورمان، باید حزب کمونیست راستین و سراسری ایران را به وجود آوریم، باید یکی شویم. همان طور که دشمنان ما یکی می‌شوند. ما در وحدت دیالکتیکی و گسترش مبارزه مشترک و متحدانه می‌توانیم تاریخساز شویم. تفرقه ما ناشی از

سیاست‌های تفرقه افکنانه دشمنان طبقاتی ماست. با دامن زدن به فعالیت یکی شدن و در قدم اول برگزاری یک کنفرانس، به تفرقه و پراکندگی جواب رد بدهیم.

این، نظر و تاکتیک ما در شرایط کنونی‌ست. امکان دارد حزب و یا سازمانی نظر و تاکتیک دیگری در این مورد مشخص داشته باشد. ما از هر نظر و تاکتیکی در این مورد استقبال می‌کنم و آن را مورد نقد علمی قرار می‌دهیم. ما هیچ تعصبی در مورد نظر خود نداریم. اگر طرح رفقای دیگر علمی‌تر و سازنده‌تر باشد، حتماً آن را می‌پذیریم. هدف ما آزادی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان جامعه است.

نظم کمونیستی

۲۴ مرداد ۱۴۰۵